

بازتعریف نقش زن در خانواده و تأثیر آن بر تزیینات نقاشی و ساختار خانه‌های اعیانی تهران در دوره قاجار

مریم ارمغان*
حسین سلطانزاده**
هما ایرانی‌بهبهانی***

چکیده

بسیاری از شرح‌حال‌ها و سفرنامه‌های دوره قاجار، تغییراتی تدریجی را در فرهنگ زندگی خانواده‌های اعیانی تهران به ویژه از اواسط دوره ناصری گزارش داده‌اند. برخی از این تغییرات، تعریف نقش زن در خانواده را به تدریج تغییر داد. هدف این مقاله، بررسی چگونگی تغییر کالبد، تزیینات نقاشی و ساختار خانه براساس بازتعریف نقش زن در تهران دوره قاجار است. از آنجایی که ملاحظه جایگاه زنان در بافت و زمینه دوره قاجار، بدون در نظر گرفتن شیوه زندگی، ساختار خانواده و شرایط فرهنگی-اجتماعی آن دوره امکان‌پذیر نیست، بنابراین بررسی واقعیت‌های مرتبط با تعریف جایگاه زن، براساس طرح تحقیق تاریخی و از طریق منابع دست اول و گاه دست دوم صورت گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ظاهر شدن زنان در جامعه، که پیش‌تر پوشیده و پنهان بودند، و کم‌رنگ شدن مرزهای زنانه-مردانه باعث ایجاد تغییر در فرهنگ زندگی شد، تا جایی که از اواخر دوره ناصری به تدریج لزوم وجود خواجه‌ها به عنوان رابط دنیای زنانه و مردانه از بین رفت. با رواج تک‌همسری، اندرونی‌های متعدد و فضایی برای خواجه‌ها نیز کنار گذاشته شدند و به این ترتیب، خانه کالبد متمرکزتری به خود گرفت. مضامین تزیینات نقاشی خانه‌های این دوره نیز روایتگر تغییرات یاد شده است؛ به گونه‌ای که تصاویری از زنان فرنگی بر روی دیوارها و سقف تالارها و شاه‌نشین‌های خانه‌های اعیانی ظاهر شد و کالبد زنان و مردان نیز از میانه‌های دوره ناصری به شکلی متمایز نگاشته شد.

واژگان کلیدی

تزیینات نقاشی، زن، ساختار خانه، فرهنگ زندگی، قاجار.

*. دکتري معماری. استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، قزوین، ایران. نویسنده مسئول ۰۵۸-۳۳۶۷۰-۲۸-۲۸
maryam.armaghan@gmail.com

** دکتري معماری. دانشیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. H72soltanzadeh@gmail.com
*** دکتري معماری. استاد گروه طراحی محیط، دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران، تهران، ایران. hirani@ut.ac.ir

مقدمه

در دوره قاجار تغییراتی در اوضاع اجتماعی و فرهنگی تهران به ویژه پس از اولین سفر ناصرالدین شاه به اروپا گزارش شده است. این سفر که به تشویق میرزا حسین خان مشیرالدوله صورت گرفت، منجر به تغییراتی در برخی آداب و رفتار تهرانی‌ها و آشنایی مختصر آنها با شکل زندگی غربی شد. ورود ماشین و تراموا و ساختن کاخ‌ها و آمفی‌تئاتر به سبک و اسلوب غربی و تغییر لباس مردان و زنان از جمله تغییرات یاد شده بود (نجمی، ۱۳۷۵: ۳۴۲-۳۴۱). نقدهایی نیز در رابطه با خوی فرهنگی مآبی ایرانی‌ها صورت می‌گرفت، چنان‌که عین‌السلطنه^۲ این امر را نکوهش کرده است: «هر چه افعال بی‌معنی فرهنگی‌ها بوده آموخته‌ایم، هر چه صنایع و قانون‌های خوب داشته‌اند کنار گذاشته ابتدا ملاحظه نکرده‌ایم. از فرهنگی مآبی عصا دست گرفتن، عینک گذاشتن، پیراهن و دستمال‌گردن پوشیدن و بستن، سیگارکشیدن، تندتند حرف‌زدن، سر و دست در وقت تکلم جنباندن، عرق و شراب وافر خوردن را یاد گرفته‌ایم. دیگر آن چیزهای خوب را یاد نگرفته‌ایم و در حقیقت همین کارها کفایت می‌کند. دو مدرسه داریم، سی سال است همان شاگردهای روز اول هنوز درس می‌خوانند و دو نفرشان صاحب کمال نشده‌اند...» (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۵۵۲-۵۵۱). اما در کنار تمام نقدها می‌توان به تأثیرات مهم ارتباط و تأثیرپذیری از غرب در زندگی برخی مردان و زنان اعیانی تهران پرداخت. چنان‌که باعث شود ابتدا زنان فرنگی آزاد در جامعه زنان پوشیده و پنهان‌شده آن دوره حضور یابند و مردان اعیانی آمادگی حضور زنان ایرانی را در جامعه پیدا کنند. زنان اعیانی نیز به مقایسه زندگی خود با زنان غرب پرداخته و همگی به تدریج تغییراتی را در تعریف نقش و جایگاه زن در جامعه و خانواده پدید آورد. از آنجایی که ساختار خانه و فرهنگ زندگی خانگی، همواره در تعامل تنگاتنگ با یکدیگر بوده‌اند، تغییر در فرهنگ و شیوه زندگی خانواده می‌تواند منجر به تغییر و بازتعریف ساختار خانه شود. بنابراین مطالعه معماری خانه و بررسی ارتباط ساختار خانه و نقش زن به درک بهتر تغییرات رخ داده در معماری آن دوره منجر می‌شود یا حداقل برخی از علل تغییرات به وجود آمده را توجیه می‌کند. در حالی که اغلب گزارش‌ها از معماری آن دوره به ویژگی‌های کالبدی و عناصر مجزا شده معماری یا کیفیات زیباشناسی کلان اختصاص یافته و تغییرات رخ داده را به تقلید از شکل معماری غرب نسبت داده‌اند (میرمیران، ۱۳۷۹ و آیت‌اللهی، ۱۳۸۰؛ درودگر، ۱۳۸۲؛ قبادیان، ۱۳۸۰؛ گودرزی، ۱۳۸۸)، تحقیق حاضر، عامل اساسی شکل‌دهنده کالبد و ساختار خانه را فرهنگ و شیوه زندگی می‌داند. به این ترتیب ابتدا جایگاه و نقش زن در خانواده، در دوره قاجار و تغییرات آن تشریح شده، سپس تغییرات کالبد و ساختار خانه در اثر بازتعریف نقش زن تبیین می‌شود.

چارچوب نظری تحقیق

مطالعات بسیاری، پیش‌تر، در زمینه تأثیرپذیری شکل خانه از فرهنگ صورت گرفته است. نظریه راپاپورت در بخش نگرش فرهنگی به معماری، به دنبال نسبت‌دادن شکل بنا به نیازهای فرهنگی است. مهم‌ترین معیار خواندن کالبد بنا از نظر راپاپورت، شیوه زندگی است. مطالعات کریستیان برومبِرژه (۱۳۷۰) نیز مسکن را در جامعه روستایی گیلان مورد بررسی قرار داده و برای بررسی ساختار و شکل خانه، ارتباط آن با شیوه زندگی و نقش و رابطه افراد در خانواده را جستجو کرده است.

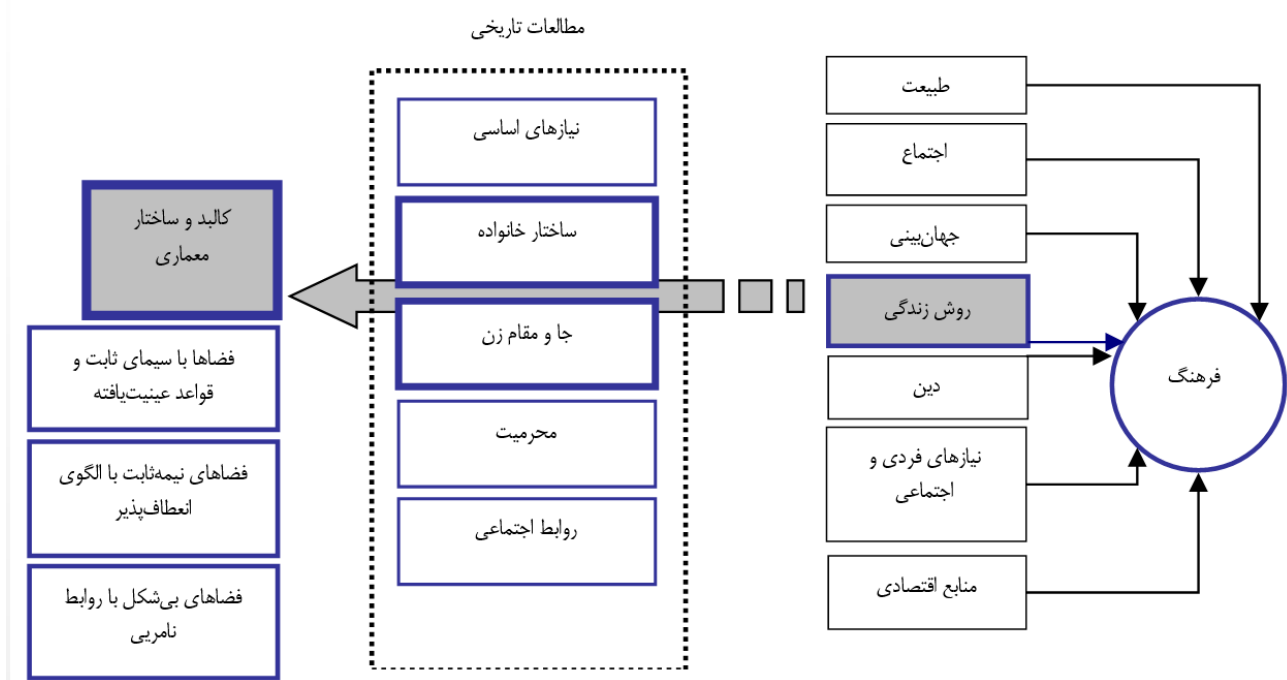
ادوارد هال (۱۳۸۴) در تبیین تئوری‌های مربوط به استفاده انسان از فضا، از اصطلاح هم‌جواری‌ها استفاده کرده که به عنوان جلوه‌ای از خرده‌فرهنگ دارای سه جنبه اساسی است: سیمای ثابت، سیمای نیمه‌ثابت و بی‌شکل. از نظر او، ساختمان‌ها، سیمایی از الگوهای ثابت‌اند که از داخل براساس طرح‌های فرهنگی معینی تقسیم‌بندی می‌شوند.

این طرح‌های فرهنگی می‌تواند توسط شیوه زندگی و ساختار خانواده نمایش داده شود. بنابراین، این پژوهش نیز به دنبال توصیف شکل‌های به کار رفته در کالبد خانه، یا تحلیل بنا براساس معیارهای شکلی، اقلیمی یا فضایی نیست بلکه براساس پژوهش‌های پیش‌تر اشاره شده، نسبت کالبد و ساختار خانه‌های اعیانی با فرهنگ زندگی بررسی شده است (نمودار ۱).

به این ترتیب بازسازی رفتارها و روابط بین اعضای خانواده و رویدادهای خانه، از طریق مطالعه شرح‌حال‌ها، سفرنامه‌ها و متون مربوط به آن دوره صورت گرفته تا تأثیر ساختار خانواده که به شدت متأثر از تعریف نقش زن است، روی معماری خانه‌های اعیانی دوره قاجار بررسی شود. معماری خانه در دو بخش کالبد، شکل، تزیینات نقاشی، ساختار و روابط میان فضاهای مختلف خانه مورد بررسی قرار گرفته است. از طرفی در تحلیل الگوهای کالبدی و ساختاری به کار رفته در معماری خانه‌های اعیانی می‌بایست توجه داشت که فضاهای به کار رفته در خانه با سیمای ثابت، قواعد عینیت‌یافته و گاه نیمه‌ثابت، الگوهای انعطاف‌پذیر، گاه بی‌شکل و با روابط نامرئی ظهور یافته‌اند. بنابراین شکل و کالبد بنا به تنهایی نمی‌توانند رویدادها و شیوه زندگی را بازنمایی کنند. در اینجا دوباره، نقش بازسازی رفتارها و رویدادها از راه مطالعه متون آن دوره آشکار می‌شود.

پیشینه تحقیق

مطالعه معماری قاجار و تحولات آن، بدون مطالعه وضعیت اجتماعی و سیاسی آن دوره، امری غیرممکن است. در این زمینه کتاب‌ها و پژوهش‌های معتبر بسیاری وجود دارد، از جمله می‌توان به نوشته‌های منصوره اتحادیه درباره شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران عصر قاجار، زن در جامعه قاجار، خاطرات رجال قاجار و تهران به عنوان کانون فرهنگ ایران در عصر قاجار



نمودار ۱. نمایش چگونگی ظهور فرهنگ در کالبد معماری از طریق روش و فرهنگ زندگی. مأخذ: نگارندگان.
Diagram 1. Demonstration of culture embodiment in architecture through life culture and life style. Source: authors.

به این شکل مطرح شود: کم رنگ شدن مرزهای زنانه-مردانه منجر به تغییر کالبد، تزیینات نقاشی و ساختار خانه‌های اعیانی شده است.

روش تحقیق و شیوه تقریب به مسئله

روش تحقیق تفسیری-تاریخی در این مطالعه استفاده شده است که شامل چهار مرحله است: ابتدا گردآوری منابع که در تحقیق حاضر بیشتر منابع دست اول، شرح حال‌ها و خاطرات و مصاحبه‌هاست. سپس گردآوری و سازماندهی داده‌ها و در گام بعدی ارزیابی، توصیف و تحلیل داده‌ها و سرانجام جمع‌بندی و نتیجه‌گیری صورت گرفته است. در این پژوهش نمونه‌گیری طبقه‌ای هدفمند مورد نظر بوده است، به این ترتیب که از خانه‌های اعیانی مختلف که هر یک از این خانه‌ها ویژگی‌های خاصی را منعکس می‌کند، نمونه‌ای انتخاب شد تا امکان مقایسه بین آنها نیز آسان تر شود. بنابراین پنج خانه اعیانی قاجاری براساس تقدم و تأخر تاریخی و ویژگی‌های کالبدی و ساختاری متفاوت انتخاب شده‌اند.

از آنجایی که شناسایی تعریف زن در آن دوره، موضوعی نیست که اطلاعات اولیه زیادی از آن در دسترس باشد، مطالعه شرح حال‌ها و خاطرات و مصاحبه‌ها در درک فرهنگ زندگی اعیان و تبیین نقش زن در آن بسیار مفید است. گام بعدی، بررسی ارتباط فرهنگ زندگی با کالبد و ساختار خانه است. سپس تغییر تعریف زن در آن دوره ملاحظه شده و پنج خانه اعیانی به منظور تحلیل چگونگی تغییرات

اشاره کرد. «تاریخ اجتماعی تهران» نوشته جعفر شهری (۱۳۸۳) دارای مطالب جالبی درباره تهران در دوره قاجار، ویژگی‌های شهر و رویدادهای آن با نگرشی فرهنگی- اجتماعی است. نوشته‌های عبدالله مستوفی (۱۳۸۶ و ۱۳۷۱) نیز دربردارنده جزئیات بسیاری از شیوه زندگی و ویژگی‌های معماری خانه‌های اعیانی آن دوره است. هر چند هیچ‌یک از این نوشته‌ها به تحلیل و بررسی کالبد خانه و ساختار خانه‌های اعیانی نپرداخته‌اند، اما معماری خانه اعیانی و شیوه زندگی در آن در مقاله شیرین مهدوی (Mahdavi, 1999) که زندگی خصوصی و حرفه‌ای حاج محمدحسن امین‌الضرب را به همراه ویژگی‌های کالبدی خانه شرح می‌دهد، بررسی شده است. مهدوی با رویکردی انسان‌شناسانه شیوه و لوازم زندگی خانگی حاج محمدحسن امین‌الضرب را با استفاده از اسناد و مصاحبه با نوادگان او توصیف کرده که در مقاله حاضر نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

پرسش‌های تحقیق

گردآوری داده‌ها از واژگان و تصاویر به دنبال پاسخ به این دو پرسش است: تعریف زن در خانواده چه تأثیری بر ساختار، کالبد و تزیینات خانه‌های اعیانی داشته است؟ و تغییر تعریف زن در دوره قاجار چگونه کالبد و ساختار خانه‌های اعیانی را تغییر داده است؟ به نظر می‌رسد پاسخ به پرسش‌های مطرح شده ریشه در کم رنگ شدن مرزهای زنانه-مردانه دارد. به این ترتیب فرضیه تحقیق حاضر می‌تواند

و مشغول بازی با عروسک‌هایش (همان: ۲۳). زن مطیع شوهر بود و مطابق خواست او زندگی می‌کرد. مرد می‌توانست همسران متعدد بگیرد و زنش را طلاق دهد. ازدواج هم قراردادی بود که اولیای خانواده آن را تنظیم می‌کرده و تمایل شخصی و خصوصی در آن کمتر مورد توجه قرار می‌گرفت. چراکه زن و مرد از یکدیگر جدا بودند و امکان دیدن یکدیگر را نداشتند (فرمانفرمایان، ۱۳۸۷: ۱۷۶). ظاهر نبودن دختر در جامعه، دلیل بر نجابت او و خانواده‌اش بوده است (همان، ۲۵).

زندگی زن نیز به تنهایی پسندیده نبود و نه تنها منعی برای ازدواج مجدد به خصوص برای زنان قاجار اشرافی وجود نداشت بلکه تشویق نیز می‌شدند (اتحادیه، ۱۳۸۸: ۴۹). به عنوان نمونه، نجم‌السلطنه^۵ پس از فوت همسرش دوباره ازدواج کرد. زنان که برای تهیهٔ مایحتاج از خانه خارج نمی‌شدند، همواره تعدادی نوکر و پیشکار برای این کار داشتند. کلفت‌ها و کنیزها نیز درون خانه، گوش به فرمان زنان بودند. چنان‌که زنان را حتی در انجام وظیفهٔ مادری، یاری می‌کردند. تاج‌السلطنه در ضمن نقد رابطهٔ مادر با فرزند در خانواده‌های اشرافی، به این موضوع اشاره کرده که ظاهراً رسم بوده بعد از تولد، فرزند به دایه، دده و ننه سپرده و در سرایی

رخ داده در ساختار و کالبد مورد بررسی قرار گرفته‌اند. سرانجام تحلیل داده‌ها و جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از آنها صورت گرفته است.

یافته‌های تحقیق

جمع‌آوری داده‌ها از طریق منابع پیش‌تر شرح داده شده، در سه حوزه صورت گرفته است: ابتدا بررسی نقش زن در دورهٔ قاجار و تبیین ساختار خانه براساس تعریف زن صورت گرفته، سپس تغییر تعریف زن و ساختار خانه مورد مطالعه قرار گرفته است. تزیینات نقاشی دیوارهای خانه نیز در انتها مورد ملاحظه واقع شده است.

نقش زنان اعیانی در دورهٔ قاجار

تعریف نقش زن در جامعه و خانواده تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله مذهب و باورها و شیوهٔ زندگی مردم بوده است. برتری فرزند پسر نسبت به دختر تا حد زیادی دیده می‌شده است (تاج‌السلطنه، ۱۳۷۱: ۲۳-۲۲). زن از کودکی برای ازدواج آماده می‌شد چراکه او بخشی از زندگی مرد و بدون هویت جداگانه بوده است. به این ترتیب، هنگامی که تاج‌السلطنه^۶ به ۸ سالگی رسیده بود، همه از عروسی او صحبت می‌کردند، در حالی که هنوز کودکی بیش نبوده



تصویر ۱. مراسم روزه‌خوانی در خانه سلطان‌العلماء. مأخذ: <http://www.qajarwomen.org/fa/items/1257A86.html>
 Fig. 1. Rozehkhani (a kind of rituals) in Soltan al-Olama's house. Source: <http://www.qajarwomen.org/fa/items/1257A86.html>

مجزایی را تعریف می‌کرد که بر پایه فرهنگ، شیوه زندگی و ساختار این محرمیت در نحوه (Mahdavi, 2012: 357) خانواده بوده است. ارتباط قلمرو خارج خانه به داخل آن، در طراحی ورودی‌ها دیده می‌شد. از عناصر در تا فضاهای پشت آن نظیر هشتی، دالان و ... که همگی سعی در جداسازی حریم‌ها داشتند (مستوفی، ۱۳۸۶: ۲۵۷-۲۵۴). جایگیری فضاهای اندرونی و بیرونی نیز تحت تأثیر چنین تدابیری بوده است. البته باید توجه کرد که تعریف محرمیت و مرزهای زنانه-مردانه، خود تحت تأثیر اعتقادات مذهبی بوده و فرهنگ زندگی خانگی را تحت تأثیر خود قرار می‌داده است.

شان و جایگاه هر عضو خانواده، نقش مهمی در تعیین جایگاه زندگی او داشته است. چنان‌که جا و مقام زن، باعث اختصاص اندرونی‌هایی با ویژگی‌های متمایز به او می‌شده است. اندرونی زنان مسن‌تر از جایگاه خاصی برخوردار بوده است (Mahdavi, 1999: 563). شکل ارتباط اعضای خانه با یکدیگر و با دیگران، باعث ایجاد فضاهای مجزا و مشترک می‌شد. چنان‌که معمولاً اتاق مادر و کودک از یکدیگر جدا بود، چراکه در خانه‌های اعیانی، کودک توسط افرادی همچون الله، دایه و ننه بزرگ می‌شد.

چگونگی روابط اجتماعی و ملاقات بر شکل خانه تأثیر می‌گذاشت. این روابط برای ملاقات مرد با مردان دیگر در بیرونی او روی می‌داد. زنان خانه می‌بایست با حجاب کامل در بیرونی حضور می‌یافتند. اگر در اندرونی، کالبد معماری نقش حجاب را ایفا می‌کرد، در بیرونی،

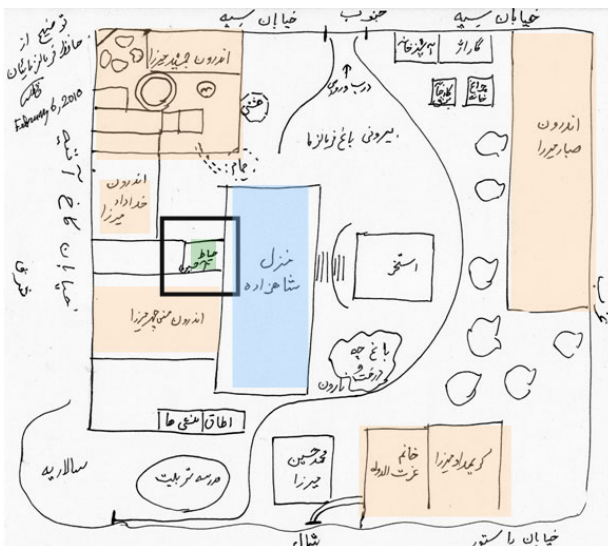
مجزا از مادر نگهداری می‌شد که با اجازه می‌توانسته به حضور مادر برود. بنابراین الفت بیشتری بین کودک و دده بوده تا کودک و مادر و فاصله‌ای بین کودک و مادر ایجاد می‌شد (تاج‌السلطنه، ۱۳۷۱: ۷-۱۰). این موضوع در نوشته شیرین مهدوی (Mahdavi, 1999) از رویدادهای خانه اعیانی امین‌الضرب و همچنین مصاحبه حافظ فرمایان (۱۳۸۸) درباره خاطرات کودکی در خانه پدری‌اش شاهزاده فرمانفرما نیز آمده است.

در آداب و رفتارهای تهرانی‌های دوره قاجار مرزهای سخت زنانه-مردانه حفظ می‌شده است. در مجالس بزم یا عزاداری برای زنان و مردان مجالس جداگانه‌ای برگزار می‌شده و حضور زنان و مردان در یک‌جا، وجود پوشش کامل برای زنان را لازم می‌کرد (تصویر ۱). مسیو اولیویه گزارشی از وضع زنان در اوایل دوره قاجار (۱۲۱۱ ه.ق.) ارائه داده و همچنین به مقایسه جایگاه زنان در فرنگ با ایران پرداخته است: «چون می‌شنیدند که می‌گفتیم زنان در انسانیت معادل و نظیر ما بوده، به همراه ما در همه جا با روی گشاده آیند و از خانه خود گشاده‌روی آیند و روند، یا با هر مردی که خواهند هم‌صحبت شوند، بنشینند و برخیزند، و حجابی و نقابی استعمال نکنند، بسیار این آیین را بد و ناپسند می‌شمردند» (اولیویه، ۱۳۷۱: ۸۶-۸۵). البته محدودیت‌های یاد شده نه تنها معاشرت زنان بلکه معاشرت مردان را نیز تا حدی محدود می‌کرده است. «یک مرد ایرانی هیچ‌وقت نمی‌تواند به ملاقات یک زن برود حتی اجازه ندارد که احوال او را جويا شود و یا با شوهر آن زن صحبتی از وی به میان آورد» (بنجامین، ۱۳۶۳: ۷۸).

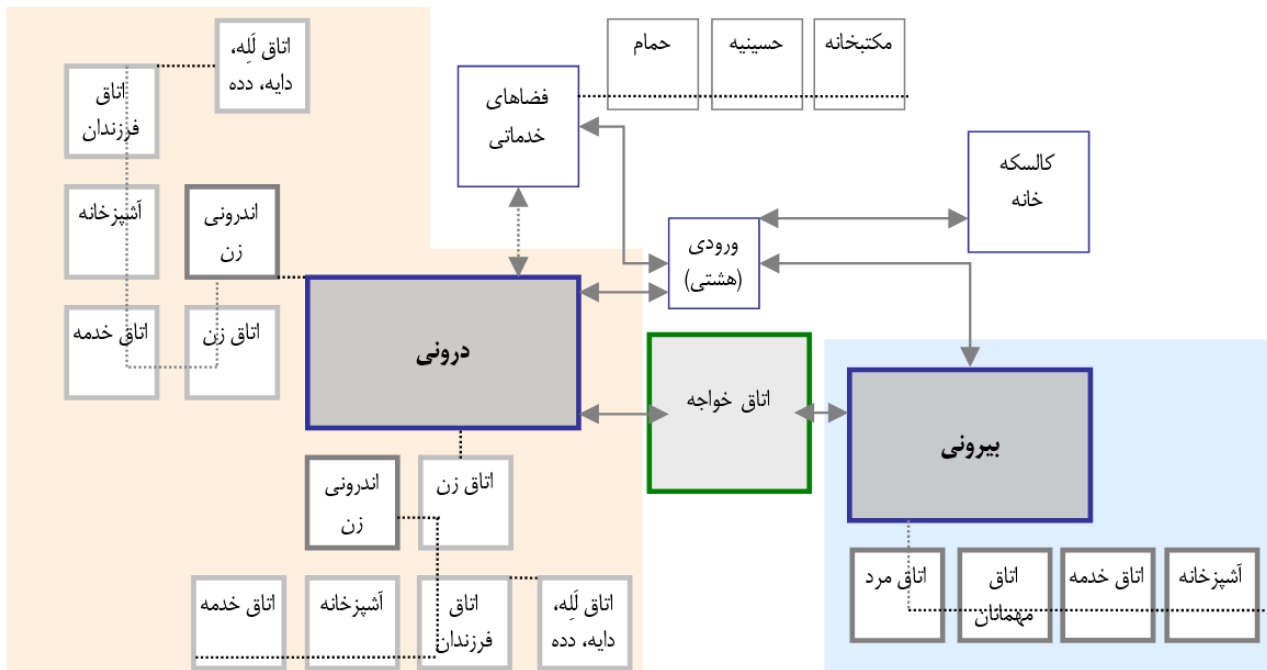
ساختار خانه‌های اعیانی براساس تعریف زن

فرهنگ زندگی و نقش زن از عوامل مهم تأثیرگذار بر شکل خانه بوده است. چنان‌که وجود حیاط‌های مرکزی متعدد و کنار هم قرار گرفتن آنها به گونه‌ای که در عین استقلال، با یکدیگر رابطه نیز داشته باشند، حضور چند زن (همسر، مادر و ...) را در خانه اعیانی مرد ایرانی دوره قاجار ممکن می‌کرده و امکان حفظ حریم خصوصی افراد را مهیا می‌ساخته است. به عنوان نمونه آشپزخانه‌ای در هر اندرون به همراه خدمه و آشپز در خدمت زن بود و آشپزخانه دیگری در بیرونی به مرد خانه و مهمانان او اختصاص می‌یافت. از آنجایی که خانه ترکیبی کامل و تمام شده محسوب نمی‌شده است امکان توسعه یا تغییر خانه می‌بایست وجود می‌داشت. توسعه خانواده منجر به تغییر شکل خانه با جابه‌جایی کارکرد فضاها (درونی و بیرونی) یا ایجاد فضاهای مورد نیاز (همچون آشپزخانه مجزا) می‌شد. این تغییرات با ملاحظه آسایش افراد زیست‌کننده فضای خانه و همچنین حفظ جایگاه و فردیت افراد و روابط بین اعضای خانه و محرمیت صورت می‌گرفته است.

البته بسته به تعداد همسران مرد، تعداد اندرونی‌ها افزایش می‌یافته است (مستوفی، ۱۳۷۱: ۴۳۵؛ فرمایان، ۱۳۸۸). محرمیت در خانه‌های اعیانی سنتی قاجار، فضاهای زنانه و مردانه



تصویر ۲. نقشه عمارت عبدالحسین میرزا فرمانفرما در تهران، کشیده شده توسط حافظ فرمایان در ۱۷ بهمن ۱۳۸۸. اندرونی‌های متعدد و اطاق آحسین خواجه در تصویر مشخص شده است. مأخذ: <http://www.qajarwomen.org/fa/items/1015A5.html>. Fig. 2. Plan of Abdolhossein Farmanfarma's house in Tehran, drawn by Hafez Farmayan on 6 February 2010. Multiple separate restricted rooms and A-Hossein Khajeh's room are included in the picture. Source: <http://www.qajarwomen.org/fa/items/1015A5.html>



نمودار ۲. ساختار خانواده و خانه‌ی اعیانی، ارتباط اعضای خانواده، حریم‌های جداگانه، اندرونی‌های زنان متعدد، خواجه‌ها در مرز دنیای مردانه و زنانه. مأخذ: نگارندگان.
Diagram 2. The family structure and the aristocratic houses, family members' relations, multiple separate restricted areas for women and men and eunuchs on the border between the worlds of women and men. Source: authors.

گونه‌ای که مردان ایرانی با مردان و زنان خارجی و زنان ایرانی با زنان خارجی، آمد و رفت داشتند (اتحادیه، ۱۳۸۸: ۱۲ و ۱۶ و ۱۷). عزیزالسلطان^۶ (۱۳۷۶: ۶۴۵) در خاطراتش این موضوع را گزارش داده است: «بر حسب دعوت رفتیم سفارت انگلیس و تا غروب آنجا بودیم. زن و مرد فرنگی و مرد ایرانی بسیار بودند. قزاق‌ها هم موزیک‌های خوبی می‌زدند». چنین در توصیف یک «گاردن پارتی» به حضور زن‌های فرنگی اشاره کرده است (همان: ۹۲۸-۹۲۹). علاوه بر راهیابی زنان فرنگی به زندگی مردانه، آگاهی زنان ایرانی نیز در بازتعریف نقش زن بسیار مؤثر بود. تاج‌السلطنه در خاطراتش، زنان را ناآگاه به حقوق خود، خزیده در گوشه‌خانه و بی‌علم و بی‌اطلاع توصیف کرده است (تاج‌السلطنه، ۱۳۷۱: ۱۲).

او خانواده‌ها را نقد می‌کرد از این بابت که دختران، مادران آینده‌اند و تربیت اولاد را به عهده دارند، از این جهت، خود باید تحصیل کرده باشند. به این ترتیب تاج‌السلطنه خواستار تغییر نقش مادر در خانواده‌های اشرافی بود. تاج‌السلطنه در شرح خاطراتش به تحول عقایدش اشاره کرده و چنین نگاشته است: «غرق خیالات جدید، و آن عقاید کهنه به کلی خارج شده بود. در آن زمان تصور می‌کردم اگر اطاعت شوهرم را نکنم، یا به حرف مادرم مطیع نباشم، ناچار در آتش جهنم می‌سوزم. پس تبعیدی و از ترس، قبول داشتم. اما، حالا خیر؛ می‌گفتم: انسان مختار و آزاد خلق شده. انسان خلق شده برای خورد، خواب، عیش، عشرت، آزادی. از بس که تاریخ و رمان‌های

پوشش و خواجه‌ها این وظیفه را بر عهده داشتند. خواجه‌ها واسطه ارتباط زنان با دنیای مردانه بودند؛ تا جایی که در خانه فرمانفرما اتاق حسین خواجه میان چند درونی و بیرونی قرار داشت (تصویر ۲). با توجه به آنچه گفته شد می‌توان ساختار خانه را براساس نقش و روابط اعضا به صورت نمودار ۲ تبیین کرد. بخش اندرونی، محل زندگی زنان و کودکان بود که خود نیز بخش‌های مجزا شده‌ای داشت. بیرونی نیز فضای زندگی و کار مرد و پذیرایی از مهمانانش را شامل می‌شده است. خواجه‌ها در مرز میان این دو حریم، نقش واسطه ایفا می‌کردند. فضاهای خدماتی همچون حمام، حسینیه و مکتب‌خانه با واسطه در کنار فضاهای اندرونی و بیرونی قرار داشتند.

تغییر جایگاه و نقش زنان اعیانی در دوره قاجار

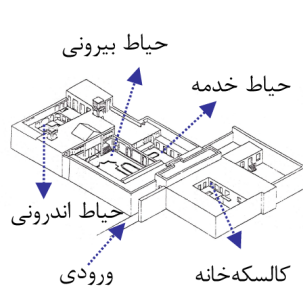
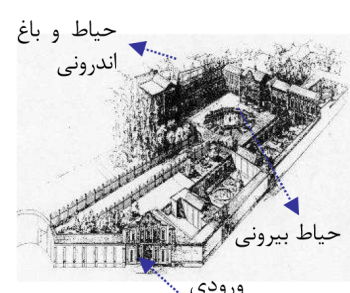
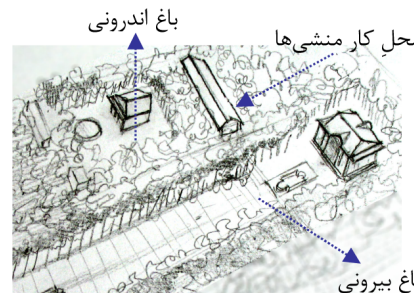
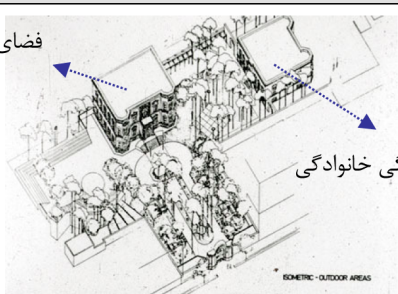
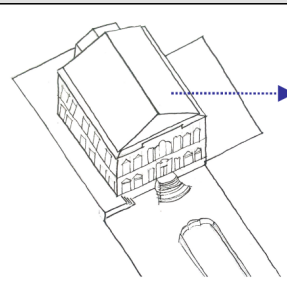
زنان خانواده‌های اشرافی، گاهی، ثروت شخصی داشتند که در اداره خودشان بود اما، حتی این زنان نیز "ضعیفه" بودند و در سایه زندگی مردان قرار می‌گرفتند. به تدریج تغییراتی در زندگی این زنان دیده می‌شود. اتحادیه با توجه به خاطرات اعتمادالسلطنه، تغییراتی را در روش معمول زندگی، در بین بعضی زنان گزارش می‌دهد: به عنوان نمونه، می‌توان به آواز خواندن زنان در کنار مطربان در اندرونی اشاره کرد یا ورود برخی مردان به اندرونی شاه در حالی که پیش‌تر، پسر ده‌ساله جرأت ورود به حرم را نداشت. از جمله دلایل این امر، می‌توان ارتباط ایرانیان، به ویژه اشراف، با خارجی‌ها را دانست. به

می‌کنند» (معیرالممالک، ۱۳۶۱: ۳۹). از دستاوردهای مشروطه برای زنان نیز می‌توان به نوشته‌هایی همچون کتاب بی‌بی خانم استرآبادی^۱ با عنوان «معایب الرجال»، که در ۱۳۱۳ ه.ق. به چاپ رسید، همچنین تحقق امکان تحصیل زنان اشاره کرد (اتحادیه، ۱۳۸۸: ۸۲). اما نوعی دوگانگی در شرایط زنان وجود داشت. چنان‌که دخترانی از جمله دختران فرمانفرما، ادامه تحصیل دادند ولی مسئله ازدواج آنها همچنان مانند گذشته بود و توقعات سابق از زنان وجود داشت. البته پس از مشروطه، در خانواده‌های متجدد چندهمسری مرسوم نبود، هر چند مردانی به رسم فرنگی‌ها یک همسر داشتند و معشوقه نیز می‌گرفتند. به این ترتیب اموری همچون وارد شدن زنان فرنگی به زندگی زنان

فرنگی را این معلم من خوانده بود، و تعریف شهرهای قشنگ روی دنیا را زده بود و به من حالی کرده بود فقط دنیا همین تهران نیست. من دیوانه‌وار میل رفتن اروپا را داشتم» (همان: ۱۱۰-۱۰۹). زنانی که در دوره ناصری همواره جدا از دنیای بیرون مردانه و توسط خواجها حفظ می‌شدند در دوره مشروطه کم‌کم از قید خواجها آزاد شدند. حضور مخدرات در برخی مکان‌های عمومی، در یادداشت‌های معیرالممالک^۲ به چشم می‌آید: «[...] بعد به اجتماع برای امامزاده صالح حرکت کردیم. جمعیتی فراوان در آنجا بودند، از هر قبیل و طایفه. خارج شده، به سر پل تجریش آمده که روزهای جمعه از یک به غروب تا غروب واقع تماشا دارد؛ مردم دسته‌دسته روی سنگ می‌نشینند و عبور مخدرات را تماشا

جدول ۱. ساماندهی فضاهای مختلف خانه. مأخذ: نگارندگان.

Table 1. Organization of different spaces in aristocratic houses. Source: authors.

خانه نصیرالدوله Nassir Al-Dowleh house	عمارت مسعودیه Massoudieh mansion	خانه-باغ فرمانیه Farmaniyeh house-garden
 <p>حیاط بیرونی حیاط خدمه حیاط اندرونی ورودی کالسکه‌خانه</p>	 <p>حیاط و باغ اندرونی حیاط بیرونی ورودی</p>	 <p>باغ اندرونی محل کار منشی‌ها باغ بیرونی</p>
<p>مأخذ: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان تهران، ۱۳۸۲: ۲۴. Source: Archives of Administration of Cultural Heritage in Tehran, 2003, 24.</p>	<p>مأخذ: آیت‌الله‌زاده شیرازی، ۱۳۹۰ Source: Ayatollah-zadeh Shirazi, 2011.</p>	<p>مأخذ: نگارندگان. Source: authors</p>
خانه قوام‌السلطنه Ghavam Al-Saltaneh house	خانه مشیرالدوله Moshir Al-Dowleh house	
 <p>فضای کار فضای زندگی خانوادگی</p>	 <p>فاقد فضاهای تفکیک شده زنانه-مردانه</p>	
<p>مأخذ: http://archnet.org/library/images/one-image.jsp?location_id=5504&image_id=24757</p>	<p>مأخذ: نگارندگان. Source: authors.</p>	

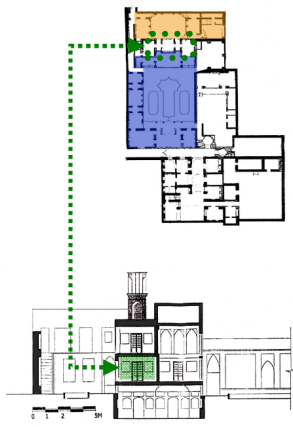
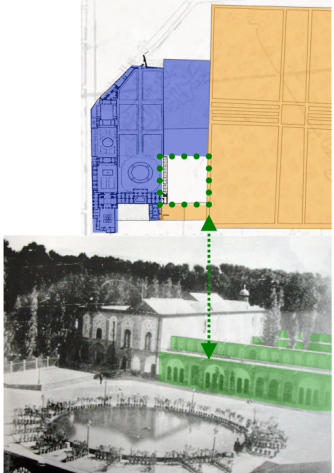
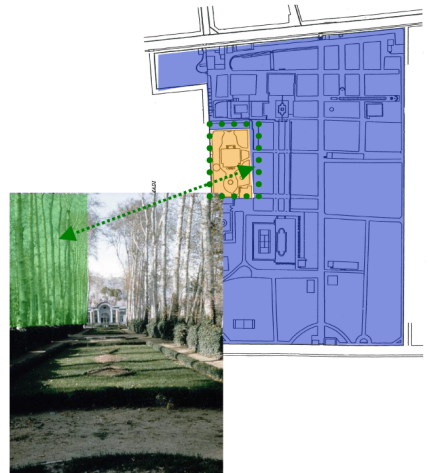

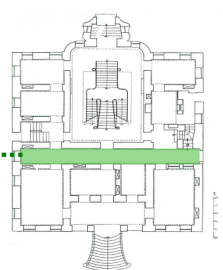
تغییر ساختار خانه

همان گونه که تغییرات به وجود آمده در خانه را نمی توان به تنهایی متأثر از تقلید از غرب دانست، در نظر گرفتن تغییر تعریف زن در جامعه نیز، تنها عامل مؤثر محسوب نمی شود. از جمله عوامل دیگر،

اعیانی ایرانی و افزایش میزان آگاهی به همراه فراهم شدن امکان تحصیل منجر به ایجاد تغییراتی در خواسته ها و مطالبات زنان آن دوره شد. از طرفی معاشرت مردان ایرانی با زنان فرنگی زمینه را برای پذیرش زنان ایرانی در جامعه مهیا و مرزهای زنانه-مردانه را متزلزل کرد.

جدول ۲. نحوه جداسازی فضاهای مختلف زنانه-مردانه. مأخذ: نگارندگان.

Table 2. Separation of feminine-masculine spaces. Source: authors.

<p>ساماندهی فضاهای زنانه و مردانه ■ و ■ عنصر تفکیک کننده فضای زنانه و مردانه ⋯</p>		
<p>خانه نصیرالدوله</p> 	<p>عمارت مسعودیه</p> 	<p>خانه-باغ فرمانیه</p> 
<p>میان فضاهای یا فضاهای بینابین، نقش جداکننده را ایفا می کنند. مأخذ: نگارندگان بر پایه آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان تهران، ۱۳۸۲: ۲۵ و ۲۸.</p>	<p>جداسازی از طریق دیوارهای بلند صورت گرفته که با توجه به ارتفاع ساختمان های بیرونی توجیه پذیر است. مأخذ: نگارندگان بر پایه نقشه آیت الله زاده شیرازی، ۱۳۹۰ و تصویر ذکاء و سمسار، ۱۳۷۶: ۲۱۷.</p>	<p>جداسازی از طریق دیوارهای اطراف اندرونی و ردیف درختان صورت گرفته است. مأخذ: نگارندگان بر پایه نقشه آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان تهران، ۱۳۷۶: ۱۶ و تصویر www.archnet.org/library/images/one-image.jsp?location_id=۱۸۴۴۳&image_id=۲۱۱۵۲۴</p>
<p>خانه قوام السلطنه</p>  <p>دیوار جداکننده فضای کار و زندگی خصوصی</p>		<p>خانه مشیرالدوله</p>  <p>راهروی جداکننده شرقی - غربی</p>
<p>فاقد فضاهای تفکیک شده زنانه مردانه. از طریق دیواری، فضای زندگی و کار از یکدیگر جدا شده اند. محور فضاهای کار و زندگی خانوادگی متفاوت و عمود بر یکدیگر است. مأخذ: نگارندگان بر پایه آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان تهران، ۱۳۷۷: ۱۵.</p>		<p>فاقد فضاهای تفکیک شده زنانه مردانه. حريم های مختلف درون پلان از طریق میان فضاهایی مانند راهرو از یکدیگر جدا شده اند. مأخذ: نگارندگان بر پایه آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان تهران، ۱۳۷۵: ۲۵.</p>

کار و ساختمان دیگری محل زندگی خانواده بوده که با توجه به ساختار خانه و عدم امکان توسعه آن، خانواده گسترده‌ای در آن امکان زندگی نداشته است. با منسوخ شدن ازدواج‌های مجدد برای مردان پس از مشروطه، لزوم استقرار زن معشوقه در خانه مرد بین رفت. به این ترتیب، درونی‌های متعددی مختص همسران مرد در خانه، به تدریج از بین رفت.

در بنای مشیرالدوله، پلان همکف توسط یک راهروی شرقی و غربی به دو بخش تقسیم شده که سمت جنوبی آن به بخش خصوصی تر و سمت شمالی آن به خدمه اختصاص داشته و بخش‌های مختلف خانه که پیش‌تر در اطراف حیاط‌های مختلف چیدمان می‌یافت، این بار توسط دالان و در طبقات از یکدیگر تفکیک می‌شود. نکته قابل بررسی دیگر، نحوه قرارگیری دو فضای اندرونی و بیرونی کنار یکدیگر است. در جدول ۲، نحوه جداسازی فضاهای مختلف زنانه-مردانه نمایش داده شده است. در خانه‌های اعیانی، اندرونی و بیرونی با واسطه‌ای به یکدیگر متصل می‌شدند، مانند اتاق خواجه یا هشتی. با وجود فضاهای تفکیک شده زنانه-مردانه، مرزهای مشخصی بین آنها در خانه‌های نصیرالدوله، مسعودیه و فرمانیه وجود دارد. اما از اواخر دوره ناصری، به تدریج مرزهای زنانه و مردانه کم‌رنگ‌تر شد و نیازی به واسطه برای اتصال این دو فضا نیست. چنان‌که در خانه‌های قوام‌السلطنه و مشیرالدوله اندرونی و بیرونی وجود ندارد. در خانه قوام‌السلطنه و مشیرالدوله مساحت باغ کاهش یافته و فضای باز، بیشتر، نقش تعریف قلمرو خانه را به عهده دارد. بنابراین لزوم وجود ایوانی برای نظاره فضای باز کم‌رنگ شده است. البته شکل معماری این دو خانه تحت تأثیر معماری قرن نوزدهم اروپا بوده است.

اما ساختار بسته آن و نبودن ایوان می‌توانسته به بازتعریف حریم‌ها منجر شود. چنان‌که وجود ایوان، مانع از حفظ کامل حریم‌ها از دید فضاهای مجاور می‌شده است. در خانه قوام‌السلطنه سازماندهی دو بنا بسیار ساده صورت گرفته و محور دو بنا با یکدیگر هم‌راستا نیست. ارتفاع ساختمان محل کار نیز از ساختمان محل زندگی خانوادگی بیشتر است. این موضوع با توجه به حفظ حریم‌ها در دید فضاها به یکدیگر قابل توجیه است.

ورودی در خانه‌های اعیانی مانند نصیرالدوله همواره دارای سلسله‌مراتب و مسیرهایی مجزا به سمت حیاط بیرونی یا اندرونی بوده و هیچ ارتباط مستقیمی بین ورودی خانه و حیاط وجود نداشته است. در حالی که، در خانه قوام‌السلطنه و مشیرالدوله از طریق یکی بودن محور باغ با ورودی، فضای درون و بیرون خانه با یکدیگر ارتباط می‌یابند. بنابر آنچه گفته شد می‌توان اذعان کرد که تنها عامل تغییر ساختار خانه، تقلید از معماری فرنگ نبوده زیرا در این صورت باید تنها کالبد بنا تغییر می‌کرد، مانند عمارت مسعودیه و فرمانیه، که بنای اصلی با کالبد فرنگی به بیرونی اختصاص یافته و اندرونی مجزا در کنار آن قرار گرفته است.

در حالی که در خانه‌های قوام‌السلطنه و مشیرالدوله علاوه بر تغییر

می‌توان به نقش محیط و رواج خانه-باغ‌ها در دوره قاجار به ویژه در دوره ناصری اشاره کرد. به این ترتیب خانه‌های قاجاری تهران که حول یک یا چند حیاط مرکزی شکل می‌گرفتند، با رواج خانه-باغ‌ها در کنار یک باغ سامان یافتند. بنابراین گذار از خانه‌های حیاط‌دار به خانه-باغ‌ها نیز نمایش‌دهنده نوعی تغییر در کالبد خانه بود. مقایسه پنج خانه، که با زمان ساخت مربوط به ابتدای دوره ناصری تا اواخر قاجار، می‌تواند تغییر ساختار خانه را نشان دهد که نمایش‌دهنده تغییر تعریف زن است.

خانه‌های مورد بررسی در جدول ۱ نمایش داده شده‌اند. در نظر گرفتن فضاهای اندرونی و بیرونی، شامل فضاهای باز و بسته، براساس فرهنگ و شیوه زندگی و تعریف جایگاه زن بوده که در بناهای نصیرالدوله، مسعودیه و فرمانیه دیده می‌شود. در عمارت مسعودیه تنها بخش بیرونی بنا باقی‌مانده و اطلاعات دقیقی راجع به اندرونی آن وجود ندارد، اما براساس تحقیقات آیت‌الله‌زاده شیرازی (۱۳۹۰: ۱۶-۱۲) می‌توان گفت اندرونی همان باغ نظامیه بوده که در شرق عمارت بیرونی قرار داشته است. اما برخلاف خانه‌های پیش‌تر اشاره شده، واژه‌های اندرونی و بیرونی در بنای قوام‌السلطنه، کاربرد چندانی ندارند چراکه ساختمانی محل



تصویر ۳. پوشش قاب آینه با نقاشی زن و مرد که بسیار مشابه هستند و وجه تفارقتشان

لباس آنهاست. مأخذ: Benjamin, 1887: 356.

Fig. 3. Cover frame of a mirror which has a painting of a woman and a man with similar body and different dresses.

Source: Benjamin, 1887: 356.



تصویر ۵. تصویر زن و مرد نقاشی شده روی کاشی در کاخ صاحبقرانیه. مأخذ: نگارندگان.
Fig. 5. The image of a woman and a man painted on the tiles of Sahebgharanie house. Source: authors.



تصویر ۴. تصویر زن و مرد نقاشی شده روی کاشی در خانه-باغ فرمانیه. مأخذ: افشارنادری، ۱۳۸۶.
Fig. 4. The portrait of a woman and a man painted on the tiles of Farmanieh house. Source: Afshar naderi, 2007.

نمونه در شاهنشین خانه سلطان بیگم شجاعی که متعلق به دوره فتحعلیشاه است، تنها تزیینات نقاشی گل و بته و تصاویر نقاشی شده از مناظر اروپایی، هر چند با پرسپکتیوهای ناصحیح، دیده می‌شود. در قسمت‌هایی از شاهنشین، گچ‌کاری‌هایی نقاشی شده از فرشتگان با کالبد زنانه نیز قابل ملاحظه است. در حالی که در خانه امام‌جمعه که در اواسط دوره ناصری (۱۲۸۰ ه.ق.) بنا شده است، غالب تزیینات آینه‌کاری است و تزیینات نقاشی علاوه بر گل و بته و مناظر نقاشی شده فرنگی، شامل پرتره‌هایی از زنان اروپایی می‌شود که نمایش‌دهنده راه یافتن زنان به زندگی مردانه است. همان‌گونه که زنان اروپایی به زندگی اعیان قاجار راه یافتند.

در خانه قوام‌الدوله که در سال ۱۲۵۳ ه.ق. ساخته شده است، تالار جنوبی شباهت بسیاری به شاهنشین خانه سلطان بیگم شجاعی دارد، در حالی که تالار شمالی بسیار مشابه شاهنشین خانه امام‌جمعه است. از نظر زمان ساخت نیز حدفاصل دو بنای پیش‌تر نامبرده شده است. مقایسه نقاشی‌های تالارهای این سه بنا که به ترتیب از نظر زمان ساخت در جدول ۳ مرتب شده‌اند، می‌تواند تغییر در مضامین نقاشی‌های آن دوره را بر اثر ورود زنان به عرصه دیده‌شدن در جامعه تبیین کند.

کالبد ظاهری خانه، ساختار خانه نیز، در نتیجه تغییر فرهنگ زندگی و تعریف زن در خانواده، به کلی تغییر کرده است.







تزیینات نقاشی خانه‌های اعیانی

در اوایل دوره قاجار در نقاشی‌ها و تزیینات، صورت و ویژگی‌های جسمانی زن و مرد یکسان تصویر می‌شد و تنها راه تمایز این دو، پوشش ایشان بوده است (تصویر ۳ و ۴). در نقاشی‌های پرتکلف به کار رفته بر روی دیوار خانه‌های اعیانی تصاویر زنانه، مردان را مخاطب قرار می‌داد و گاه تصاویر زنانه برای روایت داستان‌ها به کار می‌رفت. اما به تدریج تصاویر زنان فرنگی بر روی دیوار خانه‌ها نقش بست که دیگر به مضامین سابق اشاره نمی‌کرد؛ در انتهای قرن نوزدهم، تفارق جنسیتی را در تصاویر زنان و مردان می‌توان دید. ویژگی‌های زنان نیز بسیار فردی‌تر و متمایزتر شد (Najmabadi, 2001: 89-92).

از جمله دلایل این تغییرات می‌توان به تأثیر دوربین عکاسی، آموزش نقاشی واقع‌گرا توسط معلم‌های اروپایی، و ورود زن به دامنه دیده‌شدن اشاره کرد. در نقاشی‌های روی کاشی از کاخ گلستان می‌توان چنین تصاویری را یافت (تصویر ۵). تغییری تدریجی را می‌توان در مضامین تزیینات نقاشی خانه‌های قاجار دید که تحت تأثیر ورود زن به عرصه دیده‌شدن بوده است. به عنوان

جدول ۳. مقایسه نقاشی‌های به کار رفته در شاه‌نشین خانه‌ها. مأخذ: نگارندگان.

Table 3. Comparison of wall paintings used in Shah-neshin spaces. Source: authors.

خانه امام جمعه	خانه قوام‌الدوله	خانه سلطان بیگم شجاعی
 <p>نقاشی‌های شاه‌نشین از زنان فرنگی بر روی کاغذ که در دیوارهای تالار نصب شده است.</p>	 <p>نقاشی‌های تالار جنوبی با مضامینی مشابه خانه سلطان بیگم شجاعی.</p>	 <p>نقاشی رنگ روغن گل و بته و مناظر اروپایی بر روی در.</p>
 <p>نقاشی‌های شاه‌نشین از زنان فرنگی</p>	 <p>نقاشی‌های تالار، اشکالی با مضامینی مشابه خانه امام جمعه</p>	 <p>گچ‌کاری‌های نقاشی شده که نمایش‌دهنده فرشتگان با کالبد زنانه</p>

نتیجه‌گیری

از اواخر دوره ناصری زمینه برای پیدایی زنان اعیانی تهران در دنیای مردانه که در دوره قاجار پوشیده و پنهان از نگاه مردان نگه داشته می‌شدند، فراهم شد. عوامل متعددی همچون ارتقاء آگاهی زنان در اثر تحصیل و مطالعه کتاب‌ها، وارد شدن زنان اروپایی به زندگی مردان قاجار در این پیدایی نقش داشتند. ظاهر شدن زنان اروپایی در زندگی مردان ایرانی در تالارها و شاه‌نشین‌های اعیان نیز ظهور یافت؛ چنان‌که تصویر نقاشی‌شده زنان اروپایی بر روی دیوارها به نمایش درآمد. تصویرنگاری زنان و مردان در نقاشی‌ها و تزیینات خانه که در اوایل قاجار تفاوت زیادی نداشت و یا بیشتر زیبایی زنان را برای مخاطب قراردادن مردان، مورد توجه قرار می‌داد، از اواخر دوره ناصری زنان را نیز مخاطب قرار داد. کم‌رنگ شدن مرزهای زنانه-مردانه در خانواده‌های اعیانی منجر به ضعف مرزهای کالبدی تفکیک‌کننده زنان و مردان درون خانه شد، ولی ارتباط داخل خانه با خارج را چندان تقویت نکرد. چنان‌که فضاهای باز و نیمه‌باز که ارتباط درون و فضای بسته خانه را با طبیعت حیاط یا باغ محقق می‌ساخت، به تدریج کاهش یافت تا جایی که به کلی حذف شد. تنها کالبد و ساختار ورودی‌ها ساده‌تر و فاقد سلسله‌مراتب شد؛ در واقع ارتباط با دیگری به اندازه ارتباط اعضای خانه با یکدیگر تقویت نشد. همان‌گونه که خانواده به واسطه تک‌همسری شدن مردان کوچک‌تر می‌شد، خانه نیز شکل متمرکزتری پیدا کرد، زیرا نیازی به وجود اندرونی‌های متعدد که همسران مرد را در یک خانه کنار هم نگه دارد نبود. اندرونی و بیرونی که نمایش‌دهنده فضاهای مجزای زنانه و مردانه بودند از بین رفتند و فضاهای مشترکی برای مرد و همسرش پدیدار شد. با آشکار شدن زنان در جامعه، از اواخر قاجار، لزومی برای وجود خواجه‌ها و فضای ربط‌دهنده زنانه و مردانه نبود. تمام تغییرات بیان شده به تدریج روی داد چنان‌که در خانه نصیرالدوله مرزهای زنانه-مردانه بسیار سخت‌گیرانه و مریی حفظ شده است. مرزها در عمارت مسعودیه و خانه-باغ فرمانیه همانند خانه نصیرالدوله حفظ شده در حالی که کالبد ساختمان به شدت تغییر کرده است.

در خانه قوام‌السلطنه، اندرونی‌های متعدد وجود ندارد اما با ارتفاع کمتر اندرونی نسبت به بیرونی و تغییر محورهای دو ساختمان اختصاص یافته به کار و زندگی خانوادگی، سعی شده مرزهایی همچنان بین دو فضا حفظ شود. در حالی که در خانه مشیرالدوله فضاهای زنانه-مردانه متمایز شده‌ای به صورت کالبدی و با مرزهای مرئی وجود ندارد. به این ترتیب در مقایسه پنج خانه بررسی شده می‌توان اهمیت نقش عنصر تأثیرگذار و کلیدی فرهنگ زندگی و نقش زن را مشاهده کرد. تقلید از غرب باعث تغییر کالبد خانه‌های اعیانی شد و در عمارت مسعودیه و خانه-باغ فرمانیه شاهد این تغییرات کالبدی بودیم اما می‌توان گفت تغییر ساختار خانه تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله بازتعریف نقش زن در جامعه و خانواده بوده است؛ همانند آنچه در خانه‌های قوام‌السلطنه و مشیرالدوله مورد ملاحظه قرار گرفت.

پی‌نوشت‌ها

۱. صدر اعظم ناصرالدین شاه قاجار.
۲. قهرمان میرزا سالور (عین‌السلطنه) دومین فرزند ذکور شاهزاده عبدالصمد میرزا، عزالدوله (برادر ناصرالدین شاه) و مادرش تاج‌ماه خانم، دختر شاهزاده علیقلی میرزا (اعضادالسلطنه فرزند فتحعلی شاه بود).
۳. دختر ناصرالدین شاه.
۴. ملک‌تاج خانم نجم‌السلطنه نوه عباس میرزا و دخترعموی ناصرالدین شاه، دختر شاهزاده فیروزمیرزا نصرت‌الدوله و مادر مصدق بود.
۵. برادرزاده امینه اقدس، سوگلی ناصرالدین شاه، و امین دربار ناصرالدین شاه.
۶. متولد ۱۲۳۶ ه.ق. پسر حسینعلی خان معیرالممالک داماد فتحعلیشاه، پس از فوت پدرش خزانه‌دار ناصرالدین شاه شد.
۷. از نویسندگان دوران مشروطه.

فهرست منابع

- افشارنادری، کامران. ۱۳۸۶. *باغ‌های پردیس: نگاهی به مجموعه باغ فرمانیه و بناهای سفارت ایتالیا در تهران*. تهران: هومن صدر.
- اتحادیه، منصوره. ۱۳۸۸. *زنانی که زیر مقنعه کلاه‌داری کردند*. تهران: نشر تاریخ ایران.
- اولیویه. ۱۳۷۱. *سفرنامه اولیویه (تاریخ اجتماعی-اقتصادی ایران در دوران آغازین سلطنت قاجار)*، ت: محمدطاهر میرزا، چاپ اول. تهران: اطلاعات.
- آیت‌الله‌زاده شیرازی، باقر. ۱۳۹۰. *عمارت مسعودیه*. زیر نظر اسکندر مختاری. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- آیت‌اللهی، حبیب. ۱۳۸۰. *کتاب ایران: تاریخ هنر*. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- برومبزره، کریستیان. ۱۳۷۰. *مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان*. ت: علاءالدین گوشه‌گیر. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- بنجامین، س. ج. و. ۱۳۶۳. *ایران و ایرانیان*. ت: محمد حسین کردبچه. تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
- تاج‌السلطنه. ۱۳۷۱. *خاطرات تاج‌السلطنه*، به کوشش منصوره اتحادیه، چاپ سوم. تهران: نشر تاریخ ایران.
- درودگر، قاسم. ۱۳۸۲. *بررسی ارزش‌های هنری معماری دوران قاجار*. معماری و شهرسازی، (۷۱-۷۰): ۱۹-۱۴.
- ذکاء، یحیی و سمسار، محمدحسن. ۱۳۷۶. *تهران در تصویر*، چاپ اول. تهران: سروش.
- رایوپورت، آموس. ۱۳۸۸. *انسان‌شناسی مسکن*، ت: خسرو افضلیان، تهران: حرفه هنرمند.
- عزیزالسلطان. ۱۳۷۶. *خاطرات ملیچک عزیزالسلطان*، جلد اول، به کوشش محسن میرزایی. تهران: انتشارات زریاب.
- عین‌السلطنه، قهرمان میرزا. ۱۳۷۴. *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، جلد اول. به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، چاپ اول. تهران: انتشارات اساطیر.
- فرمانفرمائی، مهرماه. ۱۳۸۷. *زیر نگاه پدر (خاطرات مهرماه فرمانفرمائی از اندرونی)*، چاپ سوم. تهران: کویر.
- فرمایان، حافظ. ۱۳۸۸. *فایل صوتی مصاحبه با حافظ‌فرمایان*، به نقل از سایت الکترونیکی دنیای زنان عصر قاجار. قابل دسترس در: <http://www.qajarwomen.org/fa/items/1015A8.html>
- قبادیان، وحید. ۱۳۸۰. *شمس‌العماره نمادی از تجدد و تبادل. معماری و فرهنگ*، ۳ (۱۱): ۹۵-۹۲.
- آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان تهران. ۱۳۷۶. *گزارش ثبتی باغ سفارت ایتالیا واقع در فرمانیه*.
- آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان تهران. ۱۳۷۷. *گزارش ثبتی خانه قوام‌السلطنه*.
- آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان تهران. ۱۳۷۵. *گزارش ثبتی خانه مشیرالدوله*.
- آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان تهران. ۱۳۸۲. *گزارش ثبتی خانه نصیرالدوله*.
- گودرزی، مرتضی. ۱۳۸۸. *آیین خيال: تجزیه و تحلیل و بررسی نقوش و تزیینات در هنر دوره قاجار تهران*. تهران: انتشارات سوره مهر.
- مستوفی، عبدالله. ۱۳۷۱. *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*، جلد دوم، چاپ سوم. تهران: انتشارات زوار.
- مستوفی، عبدالله. ۱۳۸۶. *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*، جلد اول. تهران: هرمس.
- معیرالممالک، دوستعلیخان. ۱۳۶۱. *وقایع‌الزمان (خاطرات شکاریه)*، به کوشش خدیجه نظام‌مافی. تهران: نشر تاریخ ایران.
- میرمیران، هادی. ۱۳۷۹. *مدرسه شهید مطهری (سپهسالار)*، نگاهی به معماری دوره قاجار: شکوفایی ساخت و پرداخت. مجله معمار، (۸): ۵۷-۵۴.
- نجمی، ناصر. ۱۳۷۵. *تهران در یکصد سال پیش*، چاپ دوم. تهران: انتشارات ارغوان.
- هال، ادوارد توئیچل. ۱۳۸۴. *بعد پنهان*. ت: منوچهر طبیبیان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

Reference list

- Administration of Cultural Heritage in Tehran. (1997). *Report records of Italian embassy in Farmanieh*.
- Administration of Cultural Heritage in Tehran. (1998). *Report records of Ghavam al-Saltaneh House*.
- Administration of Cultural Heritage in Tehran. (1996). *Report records of Moshir al-Dowleh House*.
- Administration of Cultural Heritage in Tehran. (2003). *Report records of Nassir al-Dowleh House*.
- Afshar Naderi, K. (2007). *Gardens of Paradise: a Glance at the Garden of Farmanieh and the Buildings of the Italian Embassy in Tehran*. Tehran: Houman Sadr.
- Ayatollahi, H. (2001). *Ketab- e Iran: Tarikh e honar* [Iran book: Art history]. Tehran: Al-hoda International Publisher.
- Ayatollah-zadeh Shirazi, B. (2011). *Emarat- e Massoudieh* [Massoudieh Mansion]. Tehran: Cultural Research Bureau of Iran.
- Aziz al-Soltan. (1997). *Khaterat- e Malijak Aziz al-Soltan* [Aziz al-Soltan Diaries]. Tehran: Zaryab.
- Benjamin, S. G. W. (1887). *Persia and the Persians*. Translated from the English by Kordbache, M. Tehran: Javidan.
- Benjamin, S. G. W. (1887). *Persia and the Persians*. London: John Murray. Available from: <http://www.flickr.com/photos/britishlibrary/11288427864> (Accessed 1 February .2014).
- Bromberger, C. (1991). *Habitat, architecture and rural society in Gilan plain (northern Iran)*. Translated from the English by Gooshegir, A. Tehran: Institute for cultural research and studies.
- Doroodgar, Gh. (2003). Barrasi- ye Arzesh-haye Honari- e Memari- e Doreye Qajar [Evaluation of artistic values of architecture in Qajar era]. *Architecture and urbanism*, (70-71): 14-19.
- Ein al-Saltaneh, G. (1995). *Ruzname- ye Khaterat- e Ein al-Saltaneh* [Ein al-Saltaneh's Diaries]. Tehran: Asatir.
- Ettehadieh, M. (2009). *Zanani kih zir-i maqna 'ah kulahdari nimudahand* [Women who acted as leaders under their veils]. Tehran: Nashir- e Tarikh- e Iran.
- Farmanfarmaian, M. (2008). *Zir- e Negah- e Pedar* [Diaries of Mehrimah Farmanfarmaian]. 3rd. Ed. Tehran: Kavir.
- Farmayan, H. (2009). *Interview with Hafez Farmayan*. Available from: <http://www.qajarwomen.org/fa/items/1015A8.html> (accessed 1 March 2013).
- Ghobadian, V. (2001). Shams al-Emareh Namadi az Tajadod va Tabadol [Shams al-Emareh as a Symbol of Modernity and Exchange]. *Memari va Farhang*, 3(11): 92-95.
- Godarzi, M. (2009). *Ayeene- ye Khial* [Mirror of Imagination]. Tehran: Sooreh Mehr.
- Hall, E. (1966). *The Hidden Dimension*. Translated from the English by Tabibian, M. Tehran: Tehran University.
- Mahdavi, Sh. (1999). The structure and function of the household of a Qajar merchant. *Iranian Studies*, 32 (4):557-571.
- Mahdavi, Sh. (2012). Everyday Life in Late Qajar Iran. *Iranian Studies*, 45 (3): 355-370.
- Mirmiran, H. (2000). Madrese- ye Sepahsalar: Negahi be memari- e doreye Qajar [Sepahsalar School: a look at Qajar architecture]. *Memar*, (8): 54-57.
- Mostofi, A. (1992). *Sharh- e Zendegani- e Man* [My Biography]. 3rd. Ed. Tehran: Zavar.
- Mostofi, A. (2007). *Sharh- e Zendegani- ye Man* [My Biography]. Tehran: Hermes.
- Moayyer al-Mamalek, D. (1982). *Vaghaye al-zaman* (Khaterat- e Shekariieh) [Hunting Memories]. Tehran: Tarikh e iran.
- Najmabadi, A. (2001). Gendered transformations: beauty, love, and sexuality in Qajar Iran. *Iranian Studies*, 34 (1-4): 89-102.
- Najmi, N. (1996). *Tehran Dar Yeksad Sal Pish* [Tehran in Hundred Years Ago]. 2nd edition. Tehran: Arghavan.
- Olivier, G. A. (1992). *Safarnamih- ye Oliviyeh* [Olivier logbook]. Translated from the French by Mohammad Taher Mirza. Tehran: Ettelaat.
- Rappoport, A. (1972). *Pour une anthropologie de la maison* [House Form and Culture]. Translated from the French by Afzalian. Tehran: Herfe Honarmand.
- Tajossaltaneh. (1992. 1371). *Khaterat- e Tajossaltaneh* [Tajossaltaneh Diaries]. 3rd edition. Tehran: Tarikh-e Iran.
- Zoka, Y. & Semsar, M. (1997). *Tehran dar Tasvir* [Tehran in Image]. Tehran: Soroush.

Redefining Woman's Role in the Family and its Impact on the Painting Decorations and Structure of Aristocratic Houses in Tehran during the Qajar era

Maryam Armaghan*
Hossein Soltanzadeh**
Homa Irani Behbahani***

Abstract

Many of the biographies and travelogues of Qajar era have reported a gradual change in the culture of aristocratic families in Tehran especially since the middle of Naseri period. Some of these changes gradually modified the definition of woman's role in the family. The purpose of this paper is to examine how the changes appeared in the body, painting decorations and structure of the house based on the redefinition of woman's role in Tehran during the Qajar era. Thus, the present study is not aimed at describing the shapes used in the body of the house, or analyzing the house based on figurative, climatic and spatial criteria but it has mainly investigated the relation of the body and structure of the aristocratic houses with the life cultures. Therefore, reconstructing the behaviors and relationships among family members and home affairs have been carried out by studying the biographies, travelogues and texts of that period so that the effect of family structure, which is heavily influenced by the definition of woman's role, on the aristocratic houses was examined in the Qajar era. The architecture of houses has been studied in two body parts, the form of the house and painting decorations, and the structure, the relationships between different areas of the house. Furthermore, in the analysis of spatial and structural patterns used in the architecture of aristocratic houses, it should be noted that the spaces used in the house with a fixed face and realized rules and sometimes with semi-fixed and flexible models were sometimes emerged as formless and with invisible relationships. Therefore, the shape and the body of the house can not represent the events and lifestyle by themselves. Here again, the role of reconstructing behaviors and events is revealed mainly through the study of the literature of that period. Data collection of words and images is seeking to answer these two questions: How has the definition of woman in family affected the structure, body and decorations of aristocratic houses? And how has the change in the definition of woman modified the body and structure of the aristocratic houses in Qajar era? It seems that the response to the posed questions roots in the pale of male-female borders. Thus, the research hypothesis can be stated as: the pale of male-female borders has led to the changes in the body, painting decorations and structure of aristocratic houses. Since considering the status of women in the context and background of Qajar era, regardless of the lifestyle, family structure and socio-cultural conditions of the period is not possible therefore, examining the facts relating to the definition of women's status was carried out on the basis of historical research plan and through using the primary and sometimes secondary sources. The present study was carried out by using the interpretation-historical research method which involves four stages: First, gathering sources which are mostly the primary ones in the present study and includes biographies, memoirs, and interviews. The next step is to collect and organize the data and then, to evaluate, describe and analyze the data and finally, to sum up and make conclusions. The targeted sampling was intended in the present research so that among the various aristocratic houses which reflect their own certain characteristics, a sample house was chosen so the comparison was facilitated between them. Therefore, five Qajar's aristocratic houses were selected based on the historic transposition and different physical and structural features. Since identifying the woman's role in the period is not something that has a lot of available primary information, reading the biographies, memoirs, and interviews is considered useful in order to understand the life culture of the aristocratic and explain the woman's role in that culture. The next step is to investigate the relationship between the body and structure of the house and the life culture of the house. Then, the change in the woman's definition has been considered in that period and the five aristocratic houses were explored in order to analyze how the changes were made in the body and structure of the house. Finally, analyzing and summarizing the data and making conclusions of them have been carried out. The results show that women's participations in the community which were previously hidden, and the pale of male-female borders made a difference in the life culture, so that the need for having eunuchs as a liaison between the male and female worlds was gradually vanished since the late Naseri period. Multiple interior spaces and some spaces for the eunuchs were eventually excluded due to the spread of monogamy, and consequently, the house became more focused-body. The themes of painting decorations of this period are also the narrator of the above changes; therefore, images of foreign women started to appear on the walls and ceilings of the halls and alcoves of aristocratic houses and the bodies of women and men's started to be written distinctively in the middle of Naseri period.

Keywords

Painting decorations, Woman, House structure, Life culture, Qajar.

*. Ph. D. in Architecture. Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran. maryam.armaghan@gmail.com

** Ph. D. in Architecture. Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. H72soltanzadeh@gmail.com

*** Ph. D. in Architecture. Professor, Department of Environmental Design, Faculty of environment, University of Tehran, Tehran, Iran. hirani@ut.ac.ir